

«باغ آلبالو» پیشنهادی برای خانه‌نشینی این روزها

تئاتر روز

این روزها که اول و آخر اغلب خبرها به توصیه‌هایی درباره خانه ماندن و رعایت نکات ضروری ختم شده تماشای «فیلم- تئاترها» می‌تواند پیشنهاد خوبی باشد، یکی از فیلم تئاترهایی که این روزها روی اغلب اپلیکیشن‌های نمایش فیلم در دسترس است، «باغ آلبالو» نمایشنامه‌ای از آنتون چخوف، نمایشنامه نویس و

نویسنده مشهور روسی ست که آن را آخرین نوشته‌اش می‌دانند. «باغ آلبالو» حکایت زن اشراف‌زاده روسی ست که باغ خانوادگی‌اش به علت قرض در گرو بانک است. برای این خانواده روسی مقروض دیگر چاره‌ای نمانده جز اینکه در انتظار به حراج رفتن معدود باقی مانده‌های خاطره‌انگیز خود باشند. جالب است بدانید این نمایشنامه تنها یک سال بعد از انتشار آن، در سال ۱۹۰۴ به تئاتر هنری مسکو و به کارگردانی «کنستانتین استانیسلاوسکی» به روی صحنه رفته است.

استانیسلاوسکی که عمده شهرتش را مدیون تأثیری ست که بر فنون بازیگری گذاشته، «باغ آلبالو» چخوف را به‌عنوان یک تراژدی کارگردانی کرده و این در حالی ست که خود چخوف از آن به‌عنوان کاری کمدی یاد کرده است. در کشور خودمان اکبر زنجانیپور از جمله کارگردان‌هایی ست که آن را به روی صحنه برده است. این نویسنده و کارگردان تئاتر کشورمان سال‌ها پیش، در بحبوحه جنگ هم درصدد به روی صحنه بردن «باغ آلبالو» در تالار وحدت برمی‌آید که بمباران

به او اجازه نمی‌دهد و بعد از گذشت سال‌ها بالاخره این نمایشنامه چخوف را حدود سه سال پیش به روی صحنه برد. آن طور که در نقد این نمایشنامه نوشته‌اند شما در مطالعه کتاب یا تماشای کار ضبط شده صحنه‌ای آن با اثری روبه‌رو می‌شوید که برخوردار از شخصیت‌هایی ست که نه مبارزه می‌کنند و نه شکست می‌خورند. عجیب‌تر آنکه حتی در مقام دفاع از خود هم برنمی‌آیند و در برابر حل مشکلات هم تلاش خاصی به خرج نمی‌دهند. آنان با وجود همه



هنر را به زیر سقف

خانه‌ها بیایوریم

فرزاد ادیبی طراح و گرافیس‌ت که این روزها در خانه مشغول کارهای هنری‌اش است، حرف‌های بسیاری برای گذران اوقات فراغت مردم دارد. به اعتقاد او مردم‌ومهرنرمندان باید در شرایط قرنطینه زندگی عادی خود را در پیش بگیرند و سعی کنند با فعالیت‌های هنری ذهن خود را سالم نگه دارند.

حرف روز



فرزاد ادیبی
گرافیس‌ت

در وضعیتی که گریبانگیر هنرمندان و مردم ما شده همچنان می‌شود کارهای زیادی در خانه انجام داد. شاید در نگاه اول فقط وجه سرگرم‌کنندگی داشته باشد. اما می‌توانیم فقط به این وجه فکر نکنیم و به فکر انجام کارهای مفید هم باشیم. هنرمندان گرافیس‌ت می‌توانند از این وضعیت بهره زیادی ببرند. الآن از طریق فضای مجازی می‌توان به برگزاری نمایشگاه‌های هنری اقدام کرد و آثار را برای همه مردم به نمایش گذاشت. تا همین چند وقت پیش آدم می‌توانست در طول هفته یک بار به چهارراه ولیعصر یا انقلاب برود و یک پوستر تئاتر ببیند. اما اکنون همه در خانه می‌توانند اتفاقات حیثه هنر را نظاره و پیگیری کنند. نقاشی، موسیقی و نمایش هم می‌تواند مانند گرافیک حتی فیلم و سیمپا و هنرهای جدید. گرچه بخشی از جذابیت کار از دست می‌رود ولی فعلا انتخاب دیگری نداریم. مثلاً اجرای تئاتر در فضای مجازی از زمین تا آسمان با اجرای روی صحنه تفاوت دارد. به بخش از فضا در گوشی تلفن از دست می‌رود اما می‌تواند تأثیر خود را تا حدی داشته باشد.

من زیاد احساس اینکه از بیرون رفتن محروم شده‌ام ندارم. چون من و خیلی‌هایی که شغل‌شان ایجاب می‌کند که در تنهایی بنشینیم و کار کنیم، می‌توانیم در فضای خانه یا آتلیه بنویسیم، شعر بگوییم و یا نقاشی و طراحی و گرافیک انجام دهیم یا حتی بنوازیم. یاد شعری از سیمین بهبهانی افتادم که می‌گوید: «با قدم‌های کولی دشت بیدار می‌شد / با زلال نگاهش برکه سرشار می‌شد / لب زهم باز می‌کرد کهکشانش در / خدیش / مویی بر چهره می‌ریخت آسمان تاری می‌شد» و (سال و ماهی شکیبا ترکه در ترکه می‌یافت / گاه‌گاهی به سودا سی‌بازار می‌شد). قرار نیست ما همش به بازار برویم و وقت‌گذرانی کنیم. می‌توانیم شکیبا‌صورت در خانه بنشینیم و گاهی که لازم است بیرون رویم و به قول سیمین بهبهانی سبزی را با شکیبایی بباییم. رادیو و تلویزیون می‌تواند در این وضعیت مؤثر باشد. اکنون وقت آن رسیده تمامی کارهای سرگرم‌کننده اعم از برنامه‌های ورزشی هنری و طنز که برای روحیه بخشی در این شرایط بسیار لازم است و خود نوعی پیشگیری است به نمایش دریا بیند. شبکه‌های تلویزیونی می‌توانند از آرشیهایشان استفاده کنند تا مردم سرگرم شوند. من برای موضوع کرونا سه تا پوستر به دعوت جایی طراحی کردم اما می‌خواهم اینها را در کانال تلگرام بگذارم و آدرس اینستاگرام را هم بدهم تا هر کس که خواست حتی برای چاپ بردارد و کار کند. و مخاطب من هم عام و از هر طیفی است. باید انرژی گذاشت و مردم را راهنمایی کرد. خود هم سعی می‌کنم از این فرصت بیشتر استفاده کنم و کتابی که درباره آقای ممیز در دست انتشار دارم را تکمیل کنم تا شاید در آینده برای مخاطبان آگاهی‌بخش و سرگرم‌کننده باشد.

گفت‌وگو با سیامک گلشیری به بهانه انتشار «میدان ونگ، یازده و پنج دقیقه»

نویسنده‌ای می‌ماند که با مخاطب صادق باشد

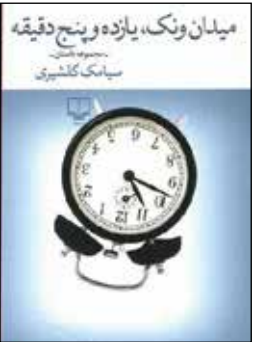
گفته‌که «لیلیوم‌های زرد» نام دارد و حدود پنجاه صفحه‌ای می‌شود.

■ **هیچ ویژگی مشترکی، اعم از جغرافیا یا مضمون خاصی میان داستان‌های این مجموعه وجود ندارد؟**

با وجود تأکیدی که بر استقلال داستان‌ها از یکدیگر دارم نکات مشترکی میان آنها وجود دارد؛ از جمله اینکه همه آنها در حال و هوایی رئال نوشته شده‌اند. آنچنان که امکان همذات‌پنداری با شخصیت‌های آنها برای مخاطبان ممکن است. عمده علاقه‌مندی من به موضوعاتی ست که شاید برای خیلی‌ها چندان مهم نباشد اما در بدن زندگی واقعی‌مان در جریان است. درباره این مجموعه داستان را در گپ و گفتی که با سیامک گلشیری داشتیم می‌خوانید.

■ **از «میدان ونگ، یازده و پنج دقیقه»، مجموعه داستان تازه‌ای که از شما منتشر شده بگویید؛ اینکه در بردارنده چند داستان است و با چه ساختار و موضوعی منتشرشده؟**

این مجموعه دربردارنده هجده داستان کوتاه است که مجموع آنها ۲۸۰ صفحه می‌شود. داستان‌های این مجموعه مستقل از یکدیگر هستند و آن طور نیست که شاهد تکرار برخی کاراکترها یا اتفاقات در آنها باشیم. در این کتاب هم سبک و سیاق خود را دنبال کرده‌ام، با این حال برخی داستان‌های این مجموعه را می‌توان تجربه‌های تازه‌ام دانست. به‌عنوان نمونه در همین مجموعه، داستان «جناب نویسنده» در حال و هوایی پست مدرن و شاید تا اندازه‌ای هم رئالیسم جادویی نوشته شده است. هر چند که این نخستین داستانی نیست که در این سبک نوشته‌ام و پیش‌تر هم در «رژ فرمز»، نخستین مجموعه داستانی‌ام، اثری به سبک رئالیسم جادویی با عنوان «هممان هر شب» نوشته‌ام. غالب داستان‌های این مجموعه در حال و هوایی رئال نوشته شده‌اند؛ در میان این هجده نوشته، یک داستان بلند هم جای



پیشنهاد خواندن دو کتاب برای گذراندن ایام کرونا

فردا ما را نجات خواهد داد

■ **عشق در زمان وبا/ گابریل گارسیا مارکز/ بهمن فراهانه**



عشق در زمان وبا/ گابریل گارسیا مارکز زاده نیمه تاریک و دوران ناخوش و درگیر رنج و درد دنیاست. داستان در شهری تاریخی در حوزه دریای کارائیب در سال‌های آخر سده نوزده و سال‌های ابتدایی سده بیستم میلادی در حالی که کشورهای امریکا لاتین در آتش جنگ‌های داخلی می‌سوزند و دسته دسته انسان‌ها بر اثر وبا دفن می‌شوند، رخ می‌دهد. مارکز با دقتی بی‌نظیر و وقفت چشمگیر صد سال تنهایی و قتل‌شدن را در عشق شخصی‌تر بنویسد؛ عشق مارکز در خاکی بزرگ شده که بیشتر متعلق به عشق و محبت‌ورزی را جزئی جدا نشدنی از فرهنگ آن می‌دانند.

مارکز وبا و مرگ و میرهای ناشی از آن را دیده و احتمالاً به نظرش رسیده با عشق و وبا در کنار هم می‌تواند داستان ستودنی خلق کند. به تعریف کند، که البته درست فکر می‌کرده.

عشق در زمان وبا به مرگ شروع می‌شود و با جریان بی‌انتهای زندگی پایان می‌گیرد؛ فلورینو آریزا در زمانی که اکثر مردم به‌خاطر وبا به سرعت جان خود را از دست می‌دهند، دچار مرض سخت‌تر و فرساینده‌تر عشق می‌شود؛ عشقی که بیش از پنجاه سال جانش را می‌خورد و ذره‌ذره از زندگی دورش می‌کند.

مارکز برای بیان این رابطه و نشان دادن عمق اثرگذاری آن از بهترین کلمات، توصیف‌ها و خرده‌روایت‌ها استفاده می‌کند. داستان از سال‌های پایانی این رابطه شروع می‌شود و به آغاز خود برمی‌گردد؛ ماجراجویی که با مرگ شروع شده با زندگی پایان می‌گیرد و این جهانی است که مارکز به آن معتقد است و آن را سرشار از امید و دقت می‌داند پس از موفقیت چشمگیر صد سال تنهایی و قتل‌شدن از عشق شخصی‌تر بنویسد؛ عشق مارکز در خاکی بزرگ شده که بیشتر متعلق به عشق و محبت‌ورزی را جزئی جدا نشدنی از فرهنگ آن می‌دانند.



سیامک گلشیری، ایران

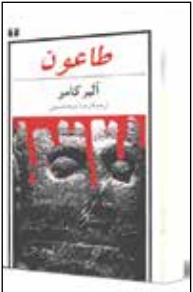
وجود محدودیت‌هایی که در جامعه ایرانی با آن روبه‌رو هستند از خود واقعی‌شان می‌نویسند. بیشتر از دیگران با استقبال مخاطبان روبه‌رو می‌شوند. هر چند که به هر حال این مسأله چندان جنسیت سرش نمی‌شود و درباره مردان نویسنده هم داستان «دختران گمشده» طی ماه‌های اخیر منتشر شده است. آن چهار رمان موضوعی است که از همان قسمت نخست آغاز می‌شود و داستان را تا آخر پیش می‌برد.

■ **و در آخر توصیه شما به عنوان یکی از اهالی کتاب برای این روزها چیست؟**
امیدوارم مردم ضرورت قرنطینه خانگی را جدی بگیرند و از رفت و آمدهای غیرفوری پرهیز کنند، حالا که کار از کار گذشته و آن بایدهایی که در قرنطینه قم باید رخ می‌داد انجام نگرفته است. پس خودمان دست به کار شویم، خانه بمانیم و از این فرصت هم برای مطالعه و تماشای فیلم استفاده کنیم. اگر مردم هنوز متوجه وخامت گسترش و تبعات این بیماری نشده‌اند باید از برخی اجبارهای قانونی استفاده کرد، تا جایی که در فضای مجازی و خبرها خوانده‌ام گویا در روسیه برای افراد مبتلا یا حتی مشکوک ماهه بعد از جلد دوم در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. این روزها مشغول نوشتن جلد چهارم این

آنها برخوردار می‌شود. اتفاقاً این سوالات است که اغلب حاضران در مراسم رونمایی کتاب از من می‌پرسیدند و جالب است که بگویم بخش عمده‌ای از آنها برگرفته از واقعیت هستند. اغراق نیست اگر بگویم که بخش عمده‌ای از زندگی خود من در خلال نوشته‌هایم در جریان است. همان داستان «لیلیوم‌های زرد» که در چند سؤال قبل به آن اشاره شد دو قسمت دارد؛ حدود شصت درصد از بخش ابتدایی این داستان واقعی است. داستان‌ها را می‌گیرد، شرایطی بحرانی که منجر به روایت‌هایی برخوردار از نگاه روانشناختی می‌شود که پیش روی شما قرار می‌گیرند. از سوی دیگر داستان‌های این مجموعه همگی طبق روال دیگر نوشته‌های من مملو از دیالوگ هستند.

■ **دلیل توجهی که به دیالوگ نویسی دارید چیست؟**
این نخستین داستانی نیست که در این سبک نوشته‌ام و پیش‌تر هم در «رژ فرمز»، نخستین مجموعه داستانی‌ام، اثری به سبک رئالیسم جادویی با عنوان «هممان هر شب» نوشته‌ام. غالب داستان‌های این مجموعه در حال و هوایی رئال نوشته شده‌اند؛ در میان این هجده نوشته، یک داستان بلند هم جای

■ **طاعون/ آبر کامو/ ضا سید حسینی**



طاعون آبرکامو در سال ۱۹۴۷ چاپ شد و داستان شهروهران در شمال غرب الجزایر است که با توصیف کوتاهی از وضع زندگی مردم شروع می‌شود و زود به سراغ اصل مطلب می‌رود؛ چند روز پس از ظهور ویروس و انسان تعداد موش‌ها، دکتر کاستل و دکتر ریو را قانع می‌کند تا مرضی مسری را پیش‌بینی کنند و آن را طاعون تشخیص دهند. با سستی مسئولان و مبارزه علیه آن برای یافتن معنا.

می‌یابد و وضع قرنطینه، اعلام می‌شود. ملاقات بعدی عاشق و معشوق‌های دورمانده از هم به زمانی نامعلوم موقوف می‌شود و زنده ماندن یا نماندن، از دغدغه اصلی تمام مردم شهر می‌شود؛ یا همه با هم نجات می‌یابند، یا همگی در کنار هم دفن خواهند شد.

طاعون روایت یک تلاش دسته جمعی ضد یک مکرر مسری مرگبار» و «مصیبتی مهلک» است که هرگز دست از سر ما بر نخواهد داشت.

کامو راه حل عبور از بحران و پشت سر گذاشتن این مصیبت را در تلاش و عصیان عده‌ای انسان شریف می‌داند، که هر کدام با هر اعتقاد و مرام و مسلکی تلاش می‌کنند به این رنج همه‌گیر، معنا ببندند و زندگی را به جامعه برگردانند؛ دکتر ریو بر حسب وظیفه و انسان دوستی‌اش، پابلو با انگیزه دینی، گرا به‌خاطر فرار از تنهایی و هر فرد دیگری با انگیزه و اعتقاد شخصی خود، دست به مبارزه علیه طاعون می‌زند؛ نتیجه این همستگی و تلاش، ریشه‌کن کردن طاعون است. به‌نظر می‌رسد طاعون کتابی است در ادامه راهی که خود کامو در بیگانه آن را آغاز کرده، پی‌بردن به پوچی جهان و مبارزه علیه آن برای یافتن معنا.

تلگراف خبر

■ **سایت آمازون کتاب‌های مبلغ ایدئولوژی نازیسم را به دلیل هجمه‌های فراوان علیه فروش این گونه از کتاب‌ها متوقف کرد.**
■ **نشر نی و نشر مرکز، طی اطلاعیه‌هایی، از علاقه‌مندان خواستند که در شرایط بحرانی این روزها، کتاب‌های مورد نیاز خود را به‌صورت تلفنی به کتابفروشی‌های محله خود سفارش دهند.**
■ **مدیر یکی از موزه‌های ایتالیا که به دلیل شیوع ویروس «کرونا» تعطیل شده است، سعی دارد بازدید از نمایشگاه‌های لغوشده این موزه را به‌صورت مجازی امکان‌پذیر کند.**
■ **مارک والبرگ بازیگر، تهیه‌کننده و تاجر امریکایی مستندی برای اچ‌بی‌اودر باره خودش می‌سازد.**
■ **وددی هارلسون جایگزین جیسون استنهام در یک فیلم در دست‌ساخت کمدی اکشن شد.**
■ **برنامه «کتاب شب» رادیو تهران، آخرین هفته سال ۹۸ را به بازخوانی رمان مشهور ویکتور هوگو اختصاص داده است.**
■ **تونس ۱۲ تا ۱۶ مارس امسال را به‌عنوان روز صنایع دستی و لباس‌های محلی جشن می‌گیرد؛ این برنامه ملی، بزرگداشت تعدادی از صنعتگران برجسته این کشور را هم شامل می‌شود.**
■ **«کراس راندگی» مرصیه ریاحی جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره Through Women's Eyes آمریکا را گرفت.**
■ **مدیر پیگاه ملی معبد آناهیتا از آغاز نخستین مرحله سه‌پاشی این محوطه تاریخی در کنار کویر خبر داد.**
■ **کتابخانه ملی دیجیتال با بیش از ۲۳ هزار کتاب برای مطالعه کودکان و نوجوانان راه‌اندازی شد.**
■ **همزمان با شیوع ویروس کرونا، مدیریت هنرهای نمایشی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران فراخوان مسابقه نمایش عروسکی «پچه‌ها و عروسک‌ها مقابل کرونا» را منتشر کرد.**
■ **سامان صفاری به جمع بازیگران سریال «خانه امن» به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری و کارگردانی احمد معظمی پیوست.**
■ **کتاب «انسان و دریا: مروری بر هزاران سال ارتباط انسان و دریا در ایران» به همت موزه ملی ایران و سازمان پناوردیالوژی منتشر شد.**
■ **رخشان بنی‌اعتماد اعلام کرد هیچ شماره حسابی را درباره کرونا و جمع‌آوری کمک اعلام نکرده است.**
■ **رفیع افتخار از تألیف داستان جدیدی برای کودکان با عنوان «شاه در قلاب» خبر داد و گفت که آن را برای چاپ به موزه انقلاب و دفاع مقدس سپرده است.**
■ **فهرست کتابفروشی‌های سراسر کشور به‌همراه نشانی و شماره تماس آنها در سایت (پایگاه اطلاع‌رسانی) خانه کتاب به نشانی ketab.ir قابل مشاهده است.**
■ **فیلم مستند «پروژه ازدواج» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی «حسام اسلامی» و «عطیه عطارزاده»، به بخش «عرض‌های جغرافیایی» جشنواره «ویزیون دورل» سوئیس راه یافت.**
■ **در روزهایی که مردم به توصیه مسئولان و برای شکست ویروس کرونا به در خانه ماندن تشویق می‌شوند، روزبه نعمت‌الهی خواننده پاپ برای مخاطبان خانه‌نشین خود کنسرت مجازی می‌گذارد.**